بسم الله الرحمن الرحیم

ویژگی‌های دانشجوی منتظر

**نگارش:**

**محمد رضا آزادمنجیری**

**چکیده:**

**با نگاهی گذرا به آیات و روایات راجع به ویژگیهای انسان منتظر استفاده می‏شود که کسی را می‏توان منتظر واقعی نامید که این صفات و ویژگی ها را دارا باشد.**

**لذا به نظر می‏رسد بهترین شیوه برای این منظور ترکیبی از آموزش تئوری و عملی باشد. هیچ کدام به تنهایی کافی نخواهد بود. به عنوان مثال وقتی گفته می‏شود یکی از ویژگی های منتظر رسیدگی به محرومین است، باید هم از نظر تئوری آیات و روایات، نمونه ها، قصه ها و... را بیان کرد و هم عملاً همراه با دانشجو به شکل آبرومندانه و خداپسندانه مشکلات محرومین واقعی را بررسی و با کمک آنان رفع کنیم. وقتی که دانشجو لذت خدمت به نیازمندان را چشید، طوری زندگی خواهد کرد که منظور قرآن مجید است و به وقت ضرورت گذشت از مادیت برای او به آسانی نوشیدن آب است.**

**کلیدواژه: دانشجو، منتظر، ویژگی های منتظر، آموزش**

**مقدمه:**

**شناخت ویژگیهایی که منتظر دارد و عمل به آن می‏تواند جامعۀ اسلامی‏را فعال و با نشاط کند و زمینه ی هرچه بیشتری را برای ظهور حضرت آماده کند. مسلما علت تاخیر را باید در منتظرین بررسی کرد و الا منتظر(عج) آمادگی ظهور دارد. باید دید چه موانعی ظهور آن منجی عالم بشریت را به تاخیر انداخته، موانع را ازسر راه برداشت و زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم کرد.**

**گام بعدی عمل به ویژگیها است، شناخت ویژگیها لازم است، ولی کافی نیست. باید عمل کرد تا از ثمره ناب آن استفاده کرد.**

**گرشناسی خوب حلوای شکر / کی شود کام تو شیرین ای پسر**

**عمل به ویژگیها برای همه کس لازم است، اما ضرورت آن برای دانشجویان بیشتر است، لذا باید آموزش را از جوانان شروع کرد، چرا که جوان می‏تواند در نسل قبل و بعد از خود اثرگذار باشد؛ می‏تواند الگوی خوبی برای کودکان و سبب نشاط و تحرک افراد مسن تر باشند.**

**آموزش جوانان ویژگی خاص خود را دارد که اگر از لطافت، دقت و حساسیت لازم برخوردار نباشد مثمرثمر نخواهد بود.**

**در ادامه ویژگی های دانشجوی منتظر را بررسی خواهیم کرد:**

**الف) ویژگی اعتقادی**

1. **شناخت امام (عج)**

**اطاعت از امام (عج) مستلزم شناخت آن حضرت است، هرچه این معرفت وسیع تر باشد تاثیر آن در زندگی بیشتر خواهد بود. اصولا اطاعت واقعی بدون معرفت امکان پذیر نیست. شاید به همین خاطر است که در زمان غیبت نسبت به خواندن این دعا سفارش اکید شده است.**

**«اللهم عرفنی نفسک... اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی »[[1]](#footnote-1)**

**در این فراز دعا از خداوند خواسته می‏شود که حجت خود را برای ما بشناساند که عدم شناخت همان و گمراهی و انحراف از دین همان.**

**دلایل ضرورت شناخت امام (عج)**

* **دلیل عقلی**

**تمام ادله ای که برای ضرورت وجود پیامبر و شناخت آن وجود دارد برای شناخت وصی پیامبر نیز صادق است، چرا که هدف امام جدای از هدف پیامبر نمی‏تواندباشد. در تعریف امامت گفته اند: « الامامه لطف کل لطف واجب علی الله تعالی فالامامه واجب علی الله تعالی»**

**در تعریف لطف گفته شده: لطف چیزی است که بنده را به طاعت خدا نزدیک و از معصیت خدا دور می‏کند. هر کس که اطاعتش واجب است باید صفاتش را شناخت تا با شخص دیگری که به دروغ و ستم مدعی گردد اشتباه نشود، لذا شناخت و دانستن صفات مولایمان حضرت حجت (ع) واجب است.**

* **دلیل نقلی**

**روایات و اخبار بسیاری دلالت می‏کند بر وجوب شناخت امام (ع) از جمله:**

* **در اصول کافی به سند صحیح از زراره از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: امام خودت را بشناسی که البته اگر او را شناختی بر تو زیان نزند، که این امر پیش بیفتد یا تاخیر کند.**[[2]](#footnote-2)

**خداوند در قرآن می‏فرماید: یوم ندعوا کل اناس بامامهم[[3]](#footnote-3)؛ روزی که هر گروهی را به امامشان فراخواهیم خواند.**

* **و نیز از امام صادق (ع) چنین می‏خوانیم: آیا شما حمد و سپاس خدا را بجا نمی‏آورید؟ هنگامی‏که روز قیامت می‏شود خداوند هر گروهی را با کسی که ولایت او پذیرفته می‏خواند، ما را همراه پیامبر (ص) و شما را همراه ما. فکر می‏کنید در این حال شما را به کجا می‏برند به خداوند کعبه به سوی بهشت، سه بار امام این جمله را تکرار کرد.**[[4]](#footnote-4)

1. **تصمیم بر یاری رساندن حضرت**

**زمان ظهور حضرت به صورت قطع بر ما مخفی است و اگر کسی احیانا زمان معینی را معلوم کند به نص صریح روایات دروغگو شمرده می‏شود؛ امام سه بار فرمود: کذب الوقاتون، لذا شیعه واقعی باید تصمیم قلبی داشته که هر وقت حضرت ظهور کردند وی را یاری رساند؛ حال اگر توفیق درک زمان ظهور را نکرد و پیش از آن اجلش فرا رسید از پاداش شهادت در رکاب حضرت برخوردار خواهد بود.**

1. **انتظار فرج**

* **عن ابی عبدالله (ع) قال: من مات منکم علی هذا الامر منتظرا له کان کمن فی فسطاط القائم (ع).**[[5]](#footnote-5)

**امام صادق (ع) فرمودند: هر کس از شما در حال انتظار فرج بمیرد، مانند کسی است که در خیمه قائم (ع) بوده است.**

* **عن سید العابدین (ع) قال: انتظار الفرج من اعظم الفرج** [[6]](#footnote-6)

**امام سجاد (ع) فرمودند: انتظار فرج از عظیم ترین فرج است.**

**ب) ویژگی های اخلاقی**

1. **تهذیب نفس**

**تهذیب نفس و متخلق به اخلاق پسندیده شدن در هر زمانی واجب است، اما این که بزرگان یکی از ویژگی های منتظر را تهذیب نفس دانسته اند بدین جهت است که درک فضیلت همنشینی با حضرتش منوط به آن است.**

**از احادیث استفاده می‏شود که شرط رسیدن به پاداش، متخلق به اخلاق الهی شدن و کسب ورع می‏باشد.**

**عن الصادق (ع) انه قال: من سره ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر، فان مات و قام القائم بعده، کان له من الاجر مثل الاجر من ادرکه فجدوا و انتظروا هنیئا لکم ایها العصابه المرحومه.[[7]](#footnote-7)**

**هر کس دوست می‏دارد از اصحاب حضرت قائم (ع) باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزگاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که منتظر باشد چنانچه بمیرد و پس از مردنش قائم (ع) به پا خیزد پاداش او همانند کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است پس کوشش کنید و در انتظار بمانید گوارا باد شما را ای گروه مشمول رحمت خداوند.**

1. **توبه واقعی**

**یکی دیگر از ویژگیهای اخلاقی منتظر خصوصا دانشجو در زمان غیبت توبه واقعی از گناهان و پرداخت حقوق مردم است. وجود مبارک حضرت برای جوانان دعا می‏کنند و از خداوند می‏خواهند توفیق توبه به آن ها داده شود.... و علی الشباب بالانابه و التوبه[[8]](#footnote-8)**

**ج) ویژگیهای فقهی**

1. **نماز**

**یکی از ویژگیهای مهم منتظر بندگی و اطاعت از اوامر خداوند است که در راس آن اقامه نماز است مخصوصا نماز اول وقت. امام زمان (ع) می‏فرماید: فما ارغم انف الشیطان شی ء افضل من الصلاه فصلها و ارغم الشیطان انفه.[[9]](#footnote-9)**

**هیچ چیز مثل نماز بینی شیطان را به خاک نمی‏مالد پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال.**

**منشا تمام گرفتاری ها و مشکلات اعراض از یاد خدا است (و من اعرض عن ذکری فان له معیشه ضنکا؛ هر کس از یادمن روی گرداند زندگی بر او تنگ خواهد شد.)[[10]](#footnote-10)**

**ضایع کردن نماز همان و غرق شدن در شهوات همان اضاعوا الصلاه واتبعوا الشهوات[[11]](#footnote-11): نماز را ضایع کردند و از شهوات تبعیت کردند.**

**همان گونه که نماز از فحشا و منکر باز می‏دارد، فحشا و منکر هم مانع نماز می‏شوند. جامعه ای که اسیر شهوات شد هرگز روی فلاح را نخواهد دید. لذا یکی از ویژگی های عمده جامعه منتظر این است که فرهنگ نماز که همان فرهنگ تمام خوبی هاست احیا شود و تا مشکل بی نمازی حل نشود هم چنان مشکلات خواهد بود و از ظهور خبری نخواهد بود.**

1. **حج نیابتی**

**قطب راوندی (ره) در کتاب الخرائج و الجرائح ذکر کرده که: ابو محمد دعجلی که از همکیشان خوب ما بود و احادیث را شنیده بود دو پسر داشت یکی از دو پسر او به نام ابوالحسن بر شیوه مستقیم بود و شغلش غسل دادن اموات بوده و پسر دیگرش در کارهای حرام، روش سبکسران را داشت و به ابومحمد وجهی پرداخت شده بود تا با آن وجه از سوی حضرت صاحب الزمان (ع) حجی انجام شود و این رسم در بین شیعیان بوده؛ پس ابومحمد به پسرش که به فساد یاد شد مبلغی از آن پول را داد و به حج رفت، و چون مراجعت نمود حکایت کرد که در موقف (عرفات) ایستاده بود، پس جوان زیبارویی و گندمگونی را در کنار خود مشاهده کرد که مشغول دعا و نیایش و تضرع و عمل نیک است. چون بیرون رفتن مردم (از عرفات) نزدیک شد روی به سوی من کرد و فرمود: ای شیخ آیا خجالت نمی‏کشی؟ عرض کردم: آقای من از چه خجالت بکشم؟ فرمود (وجه) حجی از طرف کسی که می‏دانی به تو داده می‏شود، و تو از آن به فاسقی می‏دهی که شراب می‏خورد؟ زود است که چشمت از بین برود، و به چشمم اشاره کرد، و من از آن روز بیمناکم. این مطلب را ابوعبدالله محمد بن النعمان نیز شنید. راوی گفت: پس از چهل روز از**

**آمدنش نگذشت که از همان چشمی‏که به آن اشاره شد جراحتی بیرون آمد و آن چشم از بین رفت. صاحب مکیال می‏نویسد:**

**می‏گویم: شایسته است از اول تا آخر این حدیث تدبر شود که در آن فواید بسیار و مطالب مهمی‏است، از جمله:**

1. **خبر دادن آن حضرت (ع) ازغیبت.**
2. **اهتمام ورزیدن و مهم شمردن وجوهاتی که مربوط به امام (ع)است، که آن ها را جز به افراد صالح از مردم ندهد، زیرا که از ابتدا تا انتهای حدیث مذبور ظاهر است که ابومحمد از وجهی که مربوط به آن حج بود چیزی به پسر گناهکارش پرداخته بود، نه این که تمام آن وجه را به او داده باشد، چنان که بعضی از بزرگان پنداشته اند، پس در آن دقت کن تا مقصود برایت روشن گردد.**
3. **زود رسیدن عقوبت به مومن برای انجام دادن آن چه سزاوار نیست انجام دهد، و این از سوی خدای متعال لطفی در حق او است.**
4. **امضاء کردن امام (ع) نیابت از طرف او و همچنین نایب فرستادن به جهت انجام حج از سوی آن جناب را می‏باشد چنان که پوشیده نیست.[[12]](#footnote-12)**
5. **طواف نیابتی**

**ثقه الاسلام کلینی در کافی به سند خود از موسی بن القاسم آورده که گفت: به حضرت ابوجعفر ثانی امام جواد (ع) عرض کردم: می‏خواستم از سوی شما و پدر شما طواف کنم، به من گفته شد: به نیابت از اوصیاء طواف کردن درست نیست. آن حضرت (ع) به من فرمود: بلکه هر قدر توانستی طواف کن آن جایز است.[[13]](#footnote-13)**

1. **هدیه کردن ثواب نماز به حضرت حجت (ع)**

**ابوعبدالله احمد بن عبدالله بجلی به سندی که مرفوع است به امامان (ع) که فرمودند: هر کس ثواب نماز را برای رسول خدا (ص) و امیرالمومنین و اوصیای بعد از آن حضرت (ع) قرار دهد، خداوند ثواب نمازش را آن قدر افزایش دهد که از شمارش آن نفس قطع می‏گردد، و پیش از آن که روحش از بدنش برآید به او گفته می‏شود: ای فلان؛ هدیه تو به ما رسید، پس امروز روز پاداش و تلافی کردن (نیکی های) تو است، دلت خوش و چشمت روشن باد به آن چه خداوند برایت مهیا فرموده، و گوارایت باد آن چه را به آن رسیدی.[[14]](#footnote-14)**

**د) ویژگیهای سیاسی**

1. **دعوت کرن مردم به سوی امام زمان (ع)**

**معرفی امام عصر (عج) یکی از اهم ویژگی های منتظر است و از واجب ترین عبادات است. تمام آیات و احادیثی که در فضیلت امر به معروف و نهی از منکر و هدایت و ارشاد مردم وارد شده دلالت بر این مهم می‏کند.**

**حدیث اول: ان العالم الذی یعلم الناس معالم دینهم و یدعوهم الی امامهم افضل من سبعین الف عابد[[15]](#footnote-15) همانا عالمی‏که به مردم معارف دینشان را بیاموزد و آنان را به امامشان دعوت کند از هفتاد هزار عابد بهتر است. حدیث دوم: سلیمان بن خالد به امام صادق (ع) عرض کردم: خاندانی دارم که سخن مرا می‏پذیرند آیا آن ها را به این امر دعوت کنم؟ حضرت فرمود: آری! خداوند در قرآن می‏فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خویش را نگاه دارید از آتشی که مردم (کافر و منافق) سنگ و خار فروزنده آنند.[[16]](#footnote-16)**

1. **زیاد لعن کردن بنی امیه پنهان و آشکار**

**یکی از ویژگیهای شیعه، تبری جستن از دشمنان اهل‏بیت می‏باشد که از بهترین و مهم ترین اعمال است؛ حدیث ذیل دلالت براین مطلب می‏کند.**

**روایتی است که شیخ صدوق (ره) در کتاب خصال از امیر المومنین (ع) در ذکر مناقب هفتادگانه‏اش فرموده: (اما پنجاه و چهارم: پس به درستی که من شنیدم رسول خدا (ص) می‏فرمود: ای علی! بنی امیه تو را لعنت خواهند کرد، و فرشته‏ای به شمار هر لعنت آنان، هزار لعنت بر ایشان برمی‏گرداند پس هر گاه قائم (ع) به پا خیزد چهل سال آن ها را لعنت خواهد کرد.[[17]](#footnote-17)**

1. **بزرگداشت اماکنی که به قدوم آن حضرت زینت یافته اند.**

**بوسه ها از عشق آن دلبر زنم / ورنه با دیوار و در ما را چه کار**

**قرآن کریم: و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب[[18]](#footnote-18) و هر کس شعائر خداوند را بزرگ و محترم دارد پس به درستی که این از صفات دل های با تقوا است. امیرالمونین علی (ع) فرمودند: نحن الشعائر و الاصحاب[[19]](#footnote-19)ماییم شعائر و اصحاب**

1. **قیام، هنگام یاد شدن نام و یا القاب آن حضرت (ع)**

**روزی حضرت صاحب الزمان (عج) در مجلس امام صادق (ع) یادشد، پس امام صادق (ع) به منظور تعظیم و احترام اسم آن حضرت به پا ایستاد.[[20]](#footnote-20)**

**هـ) ویژگی های فرهنگی**

* **تشکیل مجالس ذکر مناقب و فضائل آن حضرت**

**پر واضح است که برگزاری مجالس به یاد بود آن حضرت ترویج دین خداوند و برتری دادن کلمه (الله) و یاری نمودن بر نیکی و تقوا و تعظیم شعائر و نصرت امام زمان (ع) است.**

**در روایات زیادی پیشوایان دین ما را تشویق به تشکیل مجالس مومنین و ذکر مناقب آن ها نموده اند.**

* **حضور در مجالس فضایل و مناقب حضرت**

**فرموده مولایمان حضرت امام رضا (ع) که در امالی شیخ صدوق و جلد دهم بحار از آن بزرگوار آمده که فرموده: من جلس مجلسا یحیی فیه امرنا لم یمت قلبه یوم یموت القلوب: هر کس در مجلسی بنشیند که امر ما در آن زنده می‏گردد، دلش نخواهد مرد روزی که دل ها می‏میرند. حدیث دیگر: رسول خدا (ص) فرمودند: ان الله یغفر لمن یجلس فی مجلس الذاکرین و یومنه مما یخافه. فتقول الملائکه: ان فیهم فلانا...[[21]](#footnote-21)**

**همانا خداوند کسی را که در مجلس اهل ذکر می‏نشیند می‏آمرزد و او را از آنچه می‏ترسد در امان می‏دارد، پس فرشتگان گویند: فلانی در میان آنان است و او تو را یاد نکرد، خداوند می‏فرماید: او را آمرزیدم به جهت همنشینی با آنان زیرا که یادکنندگان چنین هستند که همنشین ایشان از جهت آنان بدبخت نگردد.**

* **پیوسته دعا کردن برای حضرت**

**دعای غریق: شیخ صدوق روایت کرده که امام صادق (ع) فرمود: شبهه ای به شما خواهد رسید و در آن حال نه نشانه واضحی وجود خواهد داشت و نه امام هدایت کننده‏ای و تجات شما در این هنگام فقط با خواندن دعای غریق خواهد بود. راوی می‏گوید عرض کردم، دعای غریق چگونه است؟ فرمود یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک.[[22]](#footnote-22)**

**و) ویژگی های اقتصادی**

**1- کمک به محرومین**

**عن ابی عبدالله (ع) قال لا یری احدکم اذا ادخل علی مومن سرورا انه علیه ادخله فقط بل و الله علینا بل و الله علی رسول الله (ص)[[23]](#footnote-23)**

**امام صادق (ع) فرمود:**

**چنین نپندارد کسی از شما که چون مومن را شادمان ساخت فقط او را مسرور نموده، بلکه بخدای سوگند ما را خوشحال کرده، بلکه بخدای سوگند رسول خدا (ص) را مسرور ساخته است.**

**2-خمس**

**در زمان امام دوازدهم، حضرت حجت (عج) و زمان غیبت صغری، با وجود آنکه شیعیان در حالت ترس و اضطراب و فشار حکومت غاصب عباسیان به سر می‏بردند، ولی از پرداخت خمس غفلت نمی‏ورزیدند. آن ها وجوهات شرعی خود را به وکلای آن حضرت می‏رساندند. در عصر غیبت کبری فقها و مراجع عالیقدر، نماینده امام عصرند. از این رو بر شیعیان و دوستان اهل بیت واجب است که خمس خود را به آن ها برسانند تا آنان بتوانند در راه بسط فرهنگ،اهل بیت (ع) و تربیت مبلغان و هدایت گران و زنده نگه داشتن حوزه‏های علمیه به وظیفه خطیر خویش جامه عمل بپوشانند و نگذارند ارزش ها کم رنگ و چراغ دین کم سو شود.**

**3-صدقه به نیابت از حضرت**

**از جمله علامات علاقه به حضرت، دادن صدقه از طرف آن جناب است. فقهای عظام قبول نیابت در عبادات مستحبی را از طرف زنده یا مرده مرد یا زن را تایید کرده اند.**

**قلت لابی ابراهیم (ع): احج و اصلی و اتصدق عن الاحیاء و الاموات من قرابتی و اصحابی؟ قال (ع) نعم تصدق عنه وصل عنه و لک اجر بصلتک.[[24]](#footnote-24)**

**به حضرت ابوابراهیم -موسی بن جعفر (ع)- عرضه داشتم: آیا حج به جای آورم و نماز بگزارم و از سوی زندگان و مردگان از خویشان و دوستان صدقه بدهم ؟ فرمود: بله از سوی او صدقه بده و نماز بگزار و به سبب صله پیوندت نسبت به او پاداش دیگری برایت خواهد بود.**

**4- صدقه به قصد سلامتی آن حضرت**

**رسول خدا (ص) می‏فرمودند: لا یومن عبد حتی اکون احب الیه من نفسه و اهلی اجب الیه من نفسه و اهلی احب الیه من اهله و اولاده.[[25]](#footnote-25)**

**هیچ بنده‏ای ایمان نیاورد تا اینکه من نزد او از خودش محبوبتر باشم، و خاندانم از خاندان خودش نزد او محبوبتر باشند و عترت من نزد او از عترت خودش محبوبتر باشند و ذات من از ذات خودش نزد او محبوبتر باشد.**

**نتیجه گیری:**

**هدف از تدوین این مجموعه مقاله، بازگشت به اصول و ویژگیهای دانشجوی منتظر، که شرط لازم حاکمیت بخشیدن به اسلام در جامعه ما است. که حکومت اسلامی‏ بر دوش فرد فرد مسلمانان و بر دل های آکنده از نور ایمان و معرفت آنان تکیه می‏نماید.**

**منابع و مآخذ:**

**1- قرآن کریم**

**2- ابن طاووس حلی، رضی الدین،جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، دار ذخائر قم،**

**1411. ه.**

**3- ابومنصور احمد بن طبرسی، احتجاج طبرسی، بیروت، 1401 ه.**

**4- ابوجعفر محمدبن علی بن حسین بن بابویه،کمال الدین و تمام النعمه،تهران،1395. ه.**

**5- امین الاسلام طبرسی، مجمع البیان، تهران، 1370. ه.**

**6- عباس قمی، مفاتیح الجنان، روح، قم 1379.**

**7- محمد باقر مجلسی،بحارالانوار، دارالکتب الاسلامیه، تهران 1363.**

**8- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت 1403.**

**9- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، بی تاریخ.**

**10-محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران 1363.**

**11-محمد تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ترجمه مهدی حائری قزوینی، نشر کوکب،1363**

1. 1اصول کافی – ج1/564 [↑](#footnote-ref-1)
2. 2اصول کافی ، ج1/ [↑](#footnote-ref-2)
3. اسراء/71 [↑](#footnote-ref-3)
4. مجمع البیان ، ذیل آیه 71 سوره اسراء [↑](#footnote-ref-4)
5. کمال الدین و تمام النعمه ، ج2، باب 55، ص 645، [↑](#footnote-ref-5)
6. همان ،1/32 ، باب 31 [↑](#footnote-ref-6)
7. مکیال المکارم ،ج 2، ص 5-3 [↑](#footnote-ref-7)
8. مفاتیج الجنان [↑](#footnote-ref-8)
9. الاحتجاج،2/479 [↑](#footnote-ref-9)
10. طه/124 [↑](#footnote-ref-10)
11. مریم/59 [↑](#footnote-ref-11)
12. مکیال المکارم ، ص 302 [↑](#footnote-ref-12)
13. الفروع، ج4، باب الطواف و الحج عن الائمه ، ص 314 [↑](#footnote-ref-13)
14. جمال الاسبوع ، ص 15 [↑](#footnote-ref-14)
15. مکیال المکارم ، ج2، ص 274 [↑](#footnote-ref-15)
16. الکافی ، ج 2، ص 211 ، ص 1 [↑](#footnote-ref-16)
17. مکیال المکارم ، ج2 ،ص 416 [↑](#footnote-ref-17)
18. حج 32 [↑](#footnote-ref-18)
19. مکیال المکارم، ج 2، ص 456 [↑](#footnote-ref-19)
20. همان ، ص 245 [↑](#footnote-ref-20)
21. مکیال المکارم،ج2، ص168 [↑](#footnote-ref-21)
22. کمال الدین،ج2،ص 351،باب 33، ح 49 [↑](#footnote-ref-22)
23. الکافی ،2/189 [↑](#footnote-ref-23)
24. وسائل ،ج 5، ص 367 ، ح 9، بحارالانوار ،ج88 ، ص 310 [↑](#footnote-ref-24)
25. مکیال المکارم ،ج2،ص 212 [↑](#footnote-ref-25)